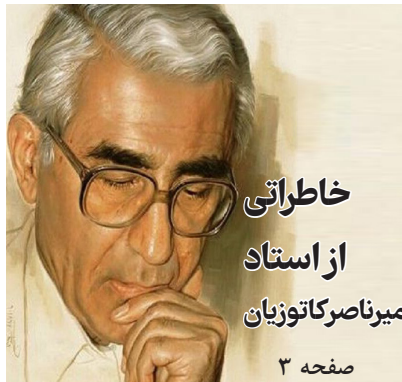




آفتاب حقوقی

اولین هفته نامه حقوقی کشور



خاطراتی
از استاد
امیرناصر کاتوزیان

صفحه ۳

قیمت: ۵/۰۰۰ تومان

سه شنبه ۲۷ شهریور ماه ۱۴۰۳ سال دوم شماره ۷۴

سخنی با دکتر صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

دستورالعمل شماره ۲۲۸۶۰۴ مورخ ۱۴۰۲/۸/۲۲ را باطل کنید

شیوه نامه رتبه بندی مطبوعات با بهره مندی از توان اساتید و دلسوزان رسانه بازنگری شود

که در صورت درخواست اداره کل، (اداره کل مطبوعات و خبرگزاری‌های داخلی) نسبت به ارسال مستندات آن اقدام نکنند، تا ارائه اسناد قابل قبول از فهرست و اجرای شرایط دریافت آگهی دولتی، حذف خواهند شد.

● در بند ۹ ماده ۳ دستورالعمل شماره ۲۲۸۶۰۴ مورخ ۱۴۰۲/۸/۲۲ صادره از سوی وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی آمده است: «... همچنین رسانه‌هایی که تغییر صاحب امتیاز می‌دهند، پس از گذشت ۳ سال می‌توانند درخواست خود را برای انتشار آگهی‌های دولتی از طریق سامانه جامع رسانه‌های کشور ارائه دهند...» مفهوم این ماده از دستورالعمل این می‌باشد که رسانه جدید تا ۳ سال از اعطای هرگونه امتیازی از جمله آگهی‌های دولتی - سهمیه کاغذ و یارانه محروم است (!)

آقای دکتر سیدعباس صالحی

شیوه نامه رتبه بندی روزنامه‌ها سالهاست که مورد اعتراض بسیاری از مدیران مسئول روزنامه‌ها واقع شده و هر دولتی بنا به سلیقه و سیاست جناحی شیوه نامه تنظیم می‌نماید بهتر است دستور فرمائید شیوه نامه جامع و کامل تنظیم شود.

آفتاب حقوقی: وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت سیزدهم به استناد قانون نشر آگهی‌های دولتی مصوب ۱۳۳۶/۴/۱۳ و بند ۵ از ماده ۲ قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دستورالعمل شماره ۲۲۸۶۰۴ را صادر می‌نماید.

دکتر سیدعباس صالحی که خود سابقه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و همچنین مدیرمسئولی روزنامه اطلاعات را دارد به خوبی از مصائب رسانه‌ها آگاهی دارند دستورالعمل سراسر متضاد با حقوق مطبوعات را باطل نمایند.

برای نمونه در این دستورالعمل آمده است:

● در ماده ۲۳ دستورالعمل ۲۲۸۶۰۴ مورخ ۱۴۰۲/۸/۲۲ آمده است: «در صورت تذکر کتبی هیئت نظارت (بر مطبوعات و خبرگزاری‌ها) و اعلام معاونت مبنی بر توقف سهمیه آگهی به رسانه‌ها به ازای هر مورد، نسبت به حذف سهمیه آگهی آن رسانه، از یک ماه تا ۳ ماه اقدام خواهد شد.»

● در ماده ۱۸ دستورالعمل آمده است: «به استناد ماده ۲۰ قانون مطبوعات، رسانه‌هایی

گزیر مؤسسه اعتباری در قانون بانک مرکزی

و اغلبشان بابت پیمان‌سپاری ارزی دچار بدحسابی شده‌اند. واردکنندگان هم نمی‌توانند معامله گذشته با صادرکنندگان معامله کنند و بانک مرکزی می‌گوید صادرکننده باید ارز خود را به من بدهد و واردکننده هم ارز موردنیازش را از من بخرد. این هم گره بزرگی است که البته تجار با آن مواجه هستند و مردم خیلی با آن رویه‌رو نیستند.



دکتر فرشید فرجناکیان
عضو هیئت مدیره
کانون وکلای مرکز

در نهایت رأس چهارم که نه مسئله مردم است و نه مسئله کسب و کارها، «تازاری بانک‌ها» است که مسئله سطح بالای تحلیلگران اقتصادی است. تازاری بانک‌ها مانند آتش زیر خاکستر یا کوه یخی است که بخش بزرگی از آن زیر آب است. اینجا هم باز اگر قاعده بازی عوض نشود، تغییر بازیکن هیچ کمکی نمی‌کند.

دکتر فرهاد نبلی براین نظر است که ترکیب ضلع چهارم و اول یک زمین بازی دیگر برای بانک مرکزی ایجاد می‌کند. بانک مرکزی در حوزه تازاری بانک‌ها طبق همین قانون بانک مرکزی مصوب ۱۴۰۲/۳/۳۰ از اختیارات کافی برخوردار است که نگذارد تازاری بانک‌ها به ترازنامه بانک مرکزی وارد شود؛ یعنی حداقل می‌تواند بخشی از تورم را از این طریق کنترل کند. می‌دانیم که اکثر بانک‌های فعلی تراز هستند؛ یعنی نمی‌توانند محل‌دارایی‌شان درآمد کافی کسب کنند که هزینه سود سپرده‌هایشان را پوشش دهد؛ بنابراین عملاً بانک‌ها مدام باید جذب سپرده کنند تا بتوانند روی سپرده‌های قبلی سود پرداخت کنند. بانک‌ها کسری خود را از بانک مرکزی می‌گیرند و وقتی بانک مرکزی راهکاری برای برخورد با بانک ناتراز ندارد، مجبور است کسری را تأمین کند و وقتی کسری را تأمین می‌کند، عملاً تازاری بانک‌ها وارد ترازنامه بانک مرکزی می‌شود، خلق پول صورت می‌گیرد و تورم ایجاب می‌شود.

ادامه در صفحه ۲

زمین بازی بانک مرکزی یک چهارضلعی است که اگر قواعد بازی تغییر نکند، در درون آن توان برآورده کردن انتظارات بسیار کم است. اولین و البته مهم‌ترین رأس این چهارضلعی «تورم» است. تورم یک آتش همیشه سوزان است. این طور نیست که اگر نرخ تورم امروز برای مثال ۳۵ درصد بود، یک ماه بعد همین ۳۵ درصد

قابل قبول باشد. در نظر بگیرید کودکی ۳۹ درجه تب دارد، این تب حتی اگر نیم ساعت هم طول بکشد پدر و مادر را مستأصل می‌کند و هر چه بیشتر ادامه پیدا کند آن‌ها را بیشتر مستأصل می‌کند، چون می‌دانند تب هر چه ادامه یابد آثار عمیق تر و وخیم‌تری بر سلامت کودکشان می‌گذارد. تورم تب اقتصاد است و این تب هر روز که ادامه یابد، خانمان سوزی آن بیشتر خواهد بود.

رأس دوم چهارضلعی «دسترسی به اعتبار» است. به دلیل سیاست‌ها و محدودیت‌هایی که طی چند سال اخیر در نظام بانکی کشور اعمال شده، دسترسی مردم و کسب و کارها به اعتبارات بانکی به پایین‌ترین حد خود رسیده است؛ به خصوص کسب و کارها با گوشت و پوست خودشان این کمبود را احساس می‌کنند. روی دیگر سکه خشکی اعتبار این است که هزینه تأمین مالی در خارج از نظام بانکی بسیار بالا رفته است. اصرار سیاست‌گذار برای اینکه نرخ سود بانکی رسمی را پایین نگه دارد، به این نتیجه منتهی شده است که هیچ‌کس نمی‌تواند وام جدید بگیرد.

رأس سوم «سیاست ارزی» است. گره‌های بسیار بزرگی برای واردکننده و صادرکننده ایجاد شده که هر دو مستأصل و شاکی هستند. صادرکنندگان موفق و باسابقه امروز باید ارز خودشان را با نرخ نیمایی به بانک مرکزی بدهند که از این بابت راضی نیستند

نحوه توقیف اموال منقول محکوم علیه که نزد شخص ثالث است

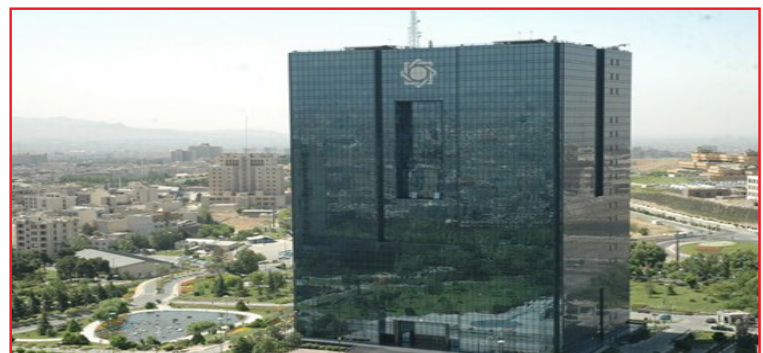
میزان آن به پیوست رونوشت اجراییه به شخص ثالث ابلاغ و رسید دریافت می‌شود و مراتب فوراً به محکوم علیه نیز ابلاغ می‌گردد.

همچنین مطابق ماده ۸۸ قانون مذکور، شخص ثالث پس از ابلاغ اخطار توقیف نباید مال یا طلب توقیف شده را به محکوم علیه بدهد و مکلف است طبق دستور مدیر اجرا عمل نماید، در صورت تخلف مسئول جبران خسارت وارده به محکوم له خواهد بود. هرگاه مالی که نزد شخص ثالث توقیف شده عین معین یا وجه نقد یا طلب حال باشد شخص ثالث باید در صورت مطالبه آن را به دادورز (مامور اجرا) بدهد و رسید دریافت دارد این رسید به منزله سند تأدییه وجه یا دین یا تحویل عین معین از طرف شخص ثالث به محکوم علیه خواهد بود.

هرگاه مال متعلق به محکوم علیه نزد شخص ثالث باشد، اخطاری در باب توقیف مال یا طلب و میزان آن به پیوست رونوشت اجراییه به شخص ثالث ابلاغ و مراتب فوراً به محکوم علیه نیز ابلاغ می‌گردد.

هرگاه مال متعلق به محکوم علیه نزد شخص ثالث باشد، اخطاری در باب توقیف مال یا طلب و میزان آن به پیوست رونوشت اجراییه به شخص ثالث ابلاغ و مراتب فوراً به محکوم علیه نیز ابلاغ می‌گردد.

مطابق ماده ۸۷ قانون اجرا احکام مدنی، هرگاه مال متعلق به محکوم علیه نزد شخص ثالث اعم از حقوقی یا حقیقی باشد یا مورد درخواست توقیف، طلبی باشد که محکوم علیه از شخص ثالث دارد اخطاری در باب توقیف مال یا طلب و



مرجع رسیدگی پس از نقض رای در دیوان عالی کشور به شرح زیر اقدام می کند: الف- در صورت نقض رای به علت ناقص بودن تحقیقات، باید تحقیقات مورد نظر دیوان عالی کشور را انجام دهد و سپس مبادرت به صدور رای کند. ب- در صورت نقض قرار و ضرورت رسیدگی ماهوی، باید از نظر دیوان عالی کشور متابعت نماید و در ماهیت، رسیدگی و انشای حکم کند، مگر آنکه پس از نقض، جهت تازه ای برای صدور قرار حادث شود. پ (اصلاحی ۱۳۹۴/۰۳/۲۴) - در صورت نقض حکم در غیر موارد مذکور، دادگاه می تواند بر مفاد رای دادگاه قبلی اصرار کند.

ادامه در صفحه بعد ➔

گزیر مؤسسه اعتباری در قانون بانک مرکزی



دکتر فرشید فرحناکیان
عضو هیئت مدیره
کانون وکلای مرکز

ادامه از صفحه اول:

رئیس اسبق بانک مرکزی به سه عامل کلیدی ناترازی شامل عدم تعادل در جریان نقدینگی، عدم تعادل در درآمد و هزینه و عدم تعادل در ترازنامه بانکها به عنوان مثلث ناترازی بانکها اشاره کرده است. از نظر ولی الله سیف نظام بانکی ناکارآمد، با مشکلاتی همچون ناتوانی در اعطای تسهیلات، عدم توانایی در انجام تعهدات و ناتوانی در سودآوری مواجه است. این مشکلات ناشی از سه عامل اصلی هستند. نخستین عامل، عدم تعادل در جریان نقدینگی است؛ به این معنا که بانکها با وجود دارایی های کافی، قادر به پرداخت بدهی های خود نیستند و به ناچار به منابع بانک مرکزی متوسل می شوند. این امر باعث افزایش نقدینگی، رشد تورم و کاهش توانایی بانک مرکزی در اعمال سیاست های کنترل نقدینگی می شود. عامل دوم، عدم تعادل در درآمد و هزینه است. در شرایطی که نرخ های دستوری در نظام بانکی حاکم است و با توجه به مدل کسب و کار فعلی بانکها، نرخ متوسط درآمد ناشی از تسهیلات اعطایی در مقایسه با هزینه متوسط تجهیز منابع همخوانی ندارد. در نتیجه، فعالیت روزانه بانکها به جای ایجاد سود، زیان تولید می کند. این زیان به معنای کاهش دارایی هاست و با توجه به ثبات بدهی ها، این شکاف هر روز عمیق تر می شود. به عبارتی، مشکلات موجود در مدل کسب و کار بانکها باعث تشدید ناترازی در نظام بانکی است. مسئله زمانی وخیم تر می شود که بانکها سود موهوم را در صورت های مالی خود نشان می دهند. این سود ساختگی، عدم تعادل بین درآمد و هزینه را تشدید کرده و شکاف میان دارایی ها و بدهی ها را روز به روز بیشتر می کند. اگرچه صورت های مالی به ظاهر تراز است و دارایی ها برابر با بدهی ها نشان داده می شود، اما در حقیقت بخش قابل توجهی از دارایی ها حباب گونه و غیرواقعی است. عامل سوم عدم تعادل در ترازنامه بانکی می باشد. در بخش دارایی ها، سه دسته بندی وجود دارد. دسته اول، دارایی های موهوم است، یعنی دارایی هایی که در واقعیت وجود ندارند. برآورد شده است که این نوع دارایی ها حدود ۳۰ تا ۳۵ درصد از کل دارایی های بانک را تشکیل می دهند و به نظر می رسد که این مشکل پس از آن دوره حتی تشدید هم شده است. دسته دوم، دارایی های منجمد هستند که حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد از دارایی ها را شامل می شوند. این دارایی ها نقد شوندگی ندارند و به اصطلاح قفل هستند؛ اما همچنان ارزشی دارند و ترازنامه بانک باید سریع تر از آن ها تخلیه شود. در نهایت، حدود ۳۵ تا ۴۰ درصد دارایی های بانک را دارایی های مولد تشکیل می دهند که در حال ایجاد سود برای بانک هستند و از طریق آن ها می تواند به تعهدات خود نسبت به سپرده گذاران عمل کند. باین حال، روشن است که با گردش تنها ۳۵ درصد از دارایی ها، بانک هرگز قادر به جلب رضایت سپرده گذاران نخواهد بود و برای پُر کردن این شکاف، ناچار به ساختن سودهای کاذب و موهوم است.

از جمله ابزارهای مورد نیاز در انضباط بخشی و اصلاح نظام بانکی، اختیارات قانونی بانک مرکزی و پیش بینی نهادهای ضروری در ساماندهی و گزیر (Resolution) می باشد. به موجب بند (ژ) ماده ۱ قانون بانک مرکزی مصوب ۱۳۰/۳/۱۴۰۲ «گزیر» مجموعه اقداماتی که تحت راهبری بانک

مرکزی به منظور صیانت از منافع عموم و حفظ ثبات مالی در خصوص مؤسسات اعتباری که با ناترازی مواجه شده یا در معرض ورشکستگی قرار گرفته اند، در چهارچوب قانون، اجرا می شود. از نظر این قانون «مؤسسه اعتباری» اشخاص حقوقی هستند که با مجوز بانک مرکزی یا به موجب قانون، تحت عنوان «بانک» یا «مؤسسه اعتباری غیربانکی» به انجام عملیات بانکی مبادرت می نمایند (بند (ح) ماده ۱).

به موجب ماده ۳۳ این قانون چنانچه رئیس کل بانک مرکزی در دوره ای که مؤسسه اعتباری توسط هیئت سرپرستی موقت اداره می شود یا قبل از آن، به این نتیجه برسد که شاخص های ناظر به وضعیت سرمایه و نقدینگی مؤسسه اعتباری قابل اصلاح نمی باشد، موظف است پیشنهاد گزیر مؤسسه اعتباری را به هیئت عالی بانک مرکزی ارائه کند. در صورت تصویب پیشنهاد رئیس کل توسط هیئت عالی، مؤسسه اعتباری با ترتیبات زیر وارد مرحله گزیر می شود.

مدیریت گزیر مؤسسات اعتباری بر عهده «صندوق ضمانت سپرده ها» است. صندوق ضمانت سپرده ها موظف است ظرف حداکثر پنج روز کاری پس از لازم الاجرا شدن مصوبه هیئت عالی، فرایند گزیر مؤسسه اعتباری مورد نظر را آغاز نموده و با کمترین هزینه مالی و اجتماعی و با هدف صیانت و رعایت غبطه سپرده گذاران، به ویژه سپرده گذاران خرد و سایر ذی نفعان گزیر مؤسسه اعتباری مورد نظر را مطابق قانون به انجام برساند.

اعطای تسهیلات جدید، صدور ضمانت نامه، گشایش اعتبار اسنادی و افتتاح حساب توسط مؤسسه اعتباری تحت گزیر، مجاز نمی باشد. در عین حال، مدیر گزیر موظف است در چهارچوب مصوبات هیئت عالی بانک مرکزی، فعالیت های اصلی مؤسسه اعتباری را که عدم انجام آن در دوران گزیر به تشخیص هیئت عالی منجر به ایجاد

بی ثباتی مالی می گردد تا زمان خاتمه فرایند گزیر، ادامه دهد. مدیر گزیر می تواند در چهارچوب این قانون، نسبت به پیشنهاد موارد زیر به هیئت عالی بانک مرکزی اقدام نماید: فروش یا واگذاری تمام یا بخشی از دارایی ها و بدهی های مؤسسه اعتباری در حال گزیر به مؤسسه اعتباری دیگر؛ انتقال باقی مانده دارایی ها و بدهی های مؤسسه اعتباری در حال گزیر به یک «مؤسسه اعتباری انتقالی»؛ تبدیل بخشی از بدهی های ضمانت نشده مؤسسه اعتباری در حال گزیر به سهام در چهارچوب قوانین مربوط؛ ادغام مؤسسه اعتباری در حال گزیر در یک مؤسسه اعتباری دیگر با تأیید مجمع عمومی مؤسسه اعتباری ادغام شونده؛ انحلال مؤسسه اعتباری در حال گزیر. منظور از «مؤسسه اعتباری انتقالی» مؤسسه اعتباری است که با مجوز بانک مرکزی و به منظور مدیریت بهتر دارایی ها و بدهی های مؤسسه اعتباری تحت گزیر، به صورت موقت (با طول عمر حداکثر سه سال) توسط مدیر گزیر تأسیس می شود.

در صورتی که مؤسسه اعتباری نسبت به مصوبه هیئت عالی بانک مرکزی مبنی بر تعیین هیئت سرپرستی موقت یا گزیر معترض باشد، می تواند اعتراض خود را ظرف سه روز کاری از زمان ابلاغ، به دبیرخانه هیئت انتظامی بانک مرکزی تسلیم نماید. هیئت انتظامی بانک مرکزی موظف است ظرف یک هفته نسبت به اعتراض واصله، رسیدگی و اقدام به صدور رأی نماید. مهلت رسیدگی و صدور رأی، با اعلام رئیس هیئت انتظامی بانک مرکزی به رئیس کل تا سه روز دیگر قابل تمدید است. سایر ترتیبات رسیدگی به اعتراض های موضوع این ماده، مشابه ترتیبات مذکور در ماده (۲۲) این قانون است.

به موجب ماده ۷ این قانون اعضای هیئت عالی بانک مرکزی

عبارت اند از: رئیس کل بانک مرکزی (رئیس هیئت عالی)؛ وزیر امور اقتصادی و دارایی؛ رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور؛ دو نفر اقتصاددان متخصص در زمینه سیاست گذاری پولی و ارزی؛ دو نفر متخصص در حوزه بانکداری (یک نفر در زمینه حقوق بانکی و یک نفر در زمینه امور مالی)؛ معاون سیاست گذاری پولی؛ معاون تنظیم گری و نظارت؛ دادستان کل کشور؛ دو نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر (بدون حق رأی) نیز در جلسات هیئت عالی شرکت می کنند.

یکی از اساسی ترین کاستی های این قانون جدید بانک مرکزی، همین ترکیب هیئت عالی بانک مرکزی است که موجب کندی در تصمیم گیری می شود. در ترکیب این هیئت عالی تعارض منافع و نفوذ دولت به وضوح مشاهده می شود که به طولانی و پیچیده شدن فرایند تصمیم گیری منجر می شود. اگر بانک مرکزی به این نتیجه برسد که یک بانک با مشکلات اساسی مواجه است و باید جلوی فعالیت آن گرفته شود، هرچه این فرایند به طول بینجامد، مشکلات روز به روز شدیدتر و پیچیده تر خواهد شد.

از نظر دکتر فرهاد نیلی قانون جدید بانک مرکزی اما این اجازه را به بانک مرکزی داده است که اگر از سرمایه سیاسی لازم برخوردار باشد و در واقع وجهت ایجاد اجماع در مراکز تصمیم گیری را داشته باشد، به تصمیم گیرندگان سیاسی کشور بقبولاند که می تواند عملیات یک بانک متوسط یا کوچک ناتراز را قفل کند؛ یعنی دیگر اجازه جذب سپرده یا اعطای وام به بانک ندهد و او را به سمت انحلال ببرد و با استفاده از راهکارهایی که قانون در اختیار بانک مرکزی قرار داده، این کار را به گونه ای مدیریت کند که هیچ اتفاقی به لحاظ سیاسی و مالی در کشور نیفتد. صندوق ضمانت سپرده ها تکلیف سپرده گذاران خرد را معلوم می کند. دارایی ها و بدهی های بانک هم طبق قانون مدیریت می شود. بانک مرکزی باید بتواند با مسئولان ارشد نظام به یک جمع بندی برسد که یک آستانه برای ارزیابی بانکها مشخص کند و بانکهای بزرگ و مهم را که بستن آن ها به صلاح نیست و جامعه کشش آن را ندارد، کنار بگذارد و برای ناترازی آن ها فکر دیگری بکند. برای بانکهای متوسط و کوچک اما یک شبیه سازی انجام دهد و به خود بانک هم اعلام کند که اگر شاخص های مدنظر بانک مرکزی را رعایت نکند بعد از چند اختصار، از صنعت بانکی کشور خارج و منحل می شود. البته این کار ساده نیست و بانک مرکزی تاکنون چنین تمرینی نداشته اما خوشبختانه این قانون جدید در این زمینه صریح و روشن است؛ بنابراین اگر بانک مرکزی بتواند این کار را انجام دهد، حداقل در ترکیب ضلع اول و چهارم می تواند تورم ناشی از ناترازی بانکها را به تدریج و پلکانی کاهش دهد و این ماجرا را به سامان برساند. بانک مرکزی باید ابتدا با دستگاه قضایی به هماهنگی و اجماع کامل برسد که فردا با یک شکایت دچار مشکل نشود و بعد، از تحمیل ناترازی بانکها به ترازنامه بانک مرکزی و پولی شدن ناترازی که به تورم منجر می شود، جلوگیری کند. این رویکرد منشأ یک یادگیری بسیار خوب برای کل کشور و بلوغ در نظام پولی و بانکی است. بانک مرکزی باید بتواند سناریوی تعطیل شدن بانکهای ناتراز را اول به خود بانکها نشان بدهد و بعد به مقامات کشور بقبولاند که با تعطیلی یک بانک ناتراز هیچ اتفاقی در نظام پولی کشور نمی افتد و بانک مرکزی می تواند شرایط را مدیریت کند. در آن صورت بانکها نمی توانند ناترازی خودشان را به کل کشور تحمیل کنند. این اقدامات بانک مرکزی درد دارد اما به هیچ وجه درد آن از درد تورم غیرقابل تحمل تر نیست.

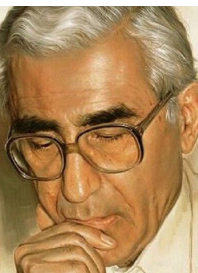
چنانچه این حکم مورد فرجام خواهی واقع شود و شعبه دیوان عالی کشور پس از بررسی، استدلال دادگاه را بپذیرد، حکم را ابرام می کند و در غیر این صورت، پرونده در هیات عمومی شعب کیفری مطرح می شود. هرگاه نظر دادگاه صادر کننده رای مورد تایید قرار گیرد، رای ابرام می شود و در صورتی که نظر شعبه دیوان عالی کشور را تایید کند، حکم صادره نقض و پرونده به شعبه دیگر دادگاه ارجاع می شود. دادگاه مزبور بر اساس استدلال هیات عمومی دیوان عالی کشور، حکم صادر می کند. این حکم قطعی و غیر قابل فرجام است. در صورتی که هیات عمومی پرونده را به علت نقص تحقیقات قابل رسیدگی نداند با ذکر موارد نقص، پرونده را به شعبه دیوان عالی کشور اعاده می نماید. شعبه دیوان مطابق قسمت (۲) بند (ب) ماده (۴۶۹) اقدام می کند.

دانستنی های حقوقی

سه شنبه ۲۷ شهریور ماه ۱۴۰۳ • سال دوم • شماره ۷۴

خاطرات حقوقی

خاطراتی از استاد امیرناصر کاتوزیان



برگرفته از کتاب «آن سفر کرده» / «دکتر عیسی کشوری» ۴۹

استاد در طول زندگی خود، مقالات بی شماری نوشتند که امروزه به صورت مجموعه ای کامل در اختیار علاقه مندان و متقاضیان است، مقالاتی که حاصل سالها تحقیق و پژوهش می باشد و در زمینه های فقهی و حقوقی هنوز هم در نوع خود بی نظیر است. استاد درباره چاپ یکی از مقالاتش، برایم خاطره ای تعریف کرد: «اوایل انقلاب بود، اختلاف ایده ها و چند دسته شدن مردم پس از گذراندن بحران جنگ به وضوح قابل مشاهده بود. در آن ایام، مقاله ای نوشتم و شرایطی پیش آمد که به بهانه آن مقاله از طرف عده ای افراطی و تندرو مورد تهدید واقع شدم. تحمل و سکوت، برایم سخت بود و در برابر نادان مردمانی که جواب قلم را با شمشیر می دهند، حاضر به تسلیم نبودم.

عده ای از دوستان توصیه کردند که مدتی دور از خانه زندگی کنم تا از خطرات احتمالی و تهدیدهای آنان در امان باشم. من این توصیه را جدی نگرفتم و دچار تردید بودم که مدتی بعد دوستانم مجدداً بر لزوم تبعید اجباری و موقت من از خانه و خانواده تأکید ورزیدند و اصرار داشتند. به آنها گفتم: با این روش موافق نیستم. من که جرمی مرتکب نشده ام، خطایی نکرده ام، به جان و مال کسی هم آسیبی نرسانده ام، فقط مقاله ای نوشته ام و ... که یکی از دوستانم گفت: این سخن از حکیم بزرگی است که «من در میان موجودات از گاو خیلی می ترسم، زیرا عقل ندارد و شاخ هم دارد!»

استدلال دوستم با تمثیلی از سخن حکیم مرا قانع کرد و منطق نهفته در این کلام، چنان با شرایط حال من تطبیق داشت که دیگر جای تردید و اعتراضی برایم باقی نگذاشت. در نتیجه پذیرفتم که به ناچار مدتی خود را مخفی سازم.»

نحوه توقیف اموال منقول محکوم علیه که نزد شخص ثالث است

هرگاه مال متعلق به محکوم علیه نزد شخص ثالث باشد، خطاری در باب توقیف مال یا طلب و میزان آن به پیوست رونوشت اجراییه به شخص ثالث ابلاغ و مراتب فوراً به محکوم علیه نیز ابلاغ می گردد.

مطابق ماده ۸۷ قانون اجرا احکام مدنی، هرگاه مال متعلق به محکوم علیه نزد شخص ثالث اعم از حقوقی یا حقیقی باشد یا مورد درخواست توقیف، طلبی باشد که محکوم علیه از شخص ثالث دارد خطاری در باب توقیف مال یا طلب و میزان آن به پیوست رونوشت اجراییه به شخص ثالث ابلاغ و رسید دریافت می شود و مراتب فوراً به محکوم علیه نیز ابلاغ می گردد.

همچنین مطابق ماده ۸۸ قانون مذکور، شخص ثالث پس از ابلاغ اخطار توقیف نباید مال یا طلب توقیف شده را به محکوم علیه بدهد و مکلف است طبق دستور مدیر اجرا عمل نماید، در صورت تخلف مسئول جبران خسارت وارده به محکوم له خواهد بود. هرگاه مالی که نزد شخص ثالث توقیف شده عین معین یا وجه نقد یا طلب حال باشد شخص ثالث باید در صورت مطالبه آن را به دادورز (مامور اجرا) بدهد و رسید دریافت دارد این رسید به منزله سند تأدییه وجه یا دین یا تحویل عین معین از طرف شخص ثالث به محکوم علیه خواهد بود.

ولی قهری به چه کسی گفته می شود؟

یکی از آن ها محجور یا به علتی ممنوع از تصرف در اموال مولی علیه شود، ولایت قانونی او ساقط می شود.

وظایف و اختیارات ولی قهری چیست؟

بر اساس قانون مدنی، ولی در کلیه امور مربوطه به اموال و امور حقوقی مالی مولی علیه، نماینده قانونی اوست. ولی قهری عمدتاً ناظر به اموال و امور مالی محجور است، البته اعمال حقوقی که لزوماً جنبه مالی ندارد نیز توسط، ولی انجام می شود. چرا که بعضاً صغیر باید اقدامی انجام دهد که به دلیل صغر سن نمی تواند آن را انجام دهد و یا مجنون به دلیل اختلالات عقلی در امور غیر مالی خود نمی تواند تصمیمی اتخاذ کند. اما فرد غیر رشید بر خلاف صغیر و مجنون می تواند در امور غیر مالی خود مانند خروج از قیمومیت شکایت کند، زیرا اشخاص غیر رشید فقط در امور مالی خود اهلیت ندارد.

در چه صورتی، ولی قهری عزل می شود؟

هر چند پدر و جد پدری همواره مصلحت کسانی که تحت سرپرستی آن ها هستند را رعایت می کنند، اما گاهی گاهی، ولی رفتارهایی بر خلاف مصلحت محجور از خود نشان می دهد.

۱- محجور شدن ولی قهری: هرگاه، ولی قهری طفل محجور شود مانند اینکه مجنون یا سفیه شود، صلاحیت اداره امور خود را نخواهد داشت لذا، به طریق اولی شایستگی ولایت بر فرزندان خود را ندارند بنابراین نمی توانند مصلحت طفل را رعایت کند. (ماده ۱۱۸۵ قانون مدنی)

۲- خیانت در امانت، ولی قهری در امور محجور: هرگاه دادستان به وسیله امراتاری مطلع شود، ولی قهری در امور محجور کوتاهی می کند، در مواردی که برای عدم امانت، ولی قهری نسبت به دارایی طفل، امارات قویه موجود باشد می تواند از دادگاه تقاضای رسیدگی کرده و در صورتی که عدم امانت، ولی قهری محرز شود فردی به عنوان قیم برای طفل تعیین می شود. (ماده ۱۱۸۶ قانون مدنی)

۳- عدم رعایت مصلحت صغیر: هرگاه، ولی قهری طفل رعایت غبطه (مصلحت) صغیر را نکند و مرتکب اقداماتی شود که موجب ضرر مولی علیه شود به درخواست یکی از نزدیکان وی و یا به درخواست رئیس حوزه قضایی، بعد از اثبات این امر، دادگاه، ولی مذکور را عزل و از تصرف در اموال صغیر منع می کند و برای اداره امور مالی طفل فرد صالحی را به عنوان قیم تعیین می کند. (ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی)

۴- کهولت سن یا بیماری: اگر، ولی قهری به واسطه کهولت سن یا بیماری و امثال آن قادر به اداره اموال مولی علیه نباشد و شخصی را هم برای این امر تعیین نکند طبق مقررات فردی به عنوان امین به، ولی قهری منضم می شود. (ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی)

۵- در مواردی که، ولی قهری نتواند به امور مولی علیه رسیدگی کند: هرگاه، ولی قهری به واسطه غیبت یا حبس یا به هر علتی از قبیل اغما و بیهوشی نتواند به امور مولی علیه رسیدگی کند و کسی هم از طرف خود تعیین نکرده باشد، دادگاه موقتاً یک نفر امین به پیشنهاد مدعی العموم برای اداره اموال مولی علیه و سایر امور راجعه تعیین می کند. (ماده ۱۱۸۷ قانون مدنی)

ولایت قهری چه زمانی به پایان می رسد؟

طبق ماده ۱۱۹۳ قانون مدنی به محض اینکه طفل محجور کبیر و رشید شود از تحت ولایت خارج می شود و خودش می تواند در خصوص امور مالی و غیر مالی تصمیم بگیرد. اما اگر بعد از سن رشد مجدداً سفیه یا مجنون شود برای او قیم تعیین می شود.

مرجع صالح رسیدگی به دعوای عزل ولی قهری

به موجب ماده ۴۸ قانون امور حسبی و رای وحدت رویه شماره ۷۵۳ مورخ ۱۳۹۵/۰۶/۰۲ هیئت عمومی دیوان عالی کشور، رسیدگی به دعوای عزل، ولی قهری در صلاحیت دادگاه واقع در حوزه اقامتگاه محجور است.

ولایت قهری به معنای سلطه ای است که پدر یا جد پدری به حکم شرع و قانون بر فرزند محجور خود دارد. در قوانین و مقررات حقوقی، یکی از شروط اصلی صحت معاملات «اهلیت» است. طبق ماده ۲۱۰ قانون مدنی، متعاملین باید برای معامله، اهلیت داشته باشند.

به موجب ماده ۲۱۱ قانون مدنی، برای اینکه متعاملین اهلیت داشته باشند و اهل محسوب شوند باید بالغ و عاقل و رشید باشند؛ لذا سه شرط لازم برای اهلیت، بلوغ و عقل و رشد است و کسی که اهلیت نداشته باشد در اصطلاح محجور نامیده می شود. بنابراین محجور کسی است که به علت کمی بودن سن یا اختلال در وضعیت روانی و عقلی نمی تواند به راحتی و آزادانه در امور مالی خود تصرف کند و قادر به انجام معامله نخواهد بود. به همین جهت قانون، این افراد را مورد حمایت ویژه ای قرار داده است.

طبق قانون اداره مالی و تصرف در اموال محجور بر عهده ولی قهری (پدر و جد پدری) است.

ولی قهری به چه کسی گفته می شود؟

معنای لغوی ولایت به معنی تسلط و حکومت کردن است. هر یک از پدر و جد پدری نسبت به اولاد خود ولایت دارند. ولایت قهری در اصطلاح به معنی سلطه ای است که پدر یا جد پدری به حکم قانون بر فرزند محجور خود دارد.

ولایت قهری حق و تکلیفی است که قانون گذار برای اداره اموال و حقوق مالی و مراقبت و مواظبت اشخاص محجور به پدر و جد پدری داده است. مهمترین وظیفه ولی قهری نمایندگی کسی است که ولایت او را برعهده دارد. به این ولایت از این جهت قهری یا اجباری یا قانونی گفته می شود که پدر و جد پدری به حکم شرع و قانون مکلفند امور کسی که بر او ولایت دارند را اداره کنند و نیازی به حکم دادگاه یا موافقت پدر یا جد پدری نیست.

فصل سوم قانون مدنی به موضوع ولایت قهری پدر و جد پدری می پردازد.

انواع ولایت

ولایت را می توان به دو نوع ولایت عام و ولایت خاص تقسیم کرد:

۱- ولایت عام: ولی عام کسی است که مرجع صلاحی تدار یعنی دادگاه او را به این سمت برگزیده است و امور مربوط به عموم افراد را در حدود قانون انجام می دهد مانند دادستان در خصوص تعیین امین برای اداره امور غایب و جنین و تعیین قیم برای حفظ اموال مجانین بر عهده دادستان است.

۲- ولایت خاص: قانون گذار در ماده ۱۱۹۴ قانون مدنی، پدر و جد پدری و وصی منصوب از طرف یکی از آنان، ولی خاص طفل می نامد. ماده ۱۱۸۸ قانون مدنی در این زمینه بیان می دارد هر یک از پدر و جد پدری بعد از وفات دیگری می تواند برای اولاد خود که تحت ولایت اوست وصی معین کند تا بعد از فوت خود در نگهداری و تربیت آن ها مواظبت کرده و اموال آن ها را اداره نماید. همچنین ماده ۱۱۸۹ قانون مدنی مقرر داشته است: هیچ یک از پدر و جد پدری نمی تواند با حیات دیگری برای مولی علیه خود وصی معین کند.

چه افرادی تحت ولایت قهری قرار می گیرند؟

بر اساس ماده ۱۱۸۰ قانون مدنی، این افراد تحت ولایت قهری پدر و جد پدری خود قرار دارند:

۱- طفل صغیر (زیر سن بلوغ شرعی)

۲- فرزند غیر رشید (کسی که تصرفاتش در اموال و حقوق مالی اش عقلایی نباشد) در صورتی که عدم رشد او متصل به صغر باشد.

۳- فرزند مجنون در صورتی که جنون او متصل به صغر باشد. طبق قانون، هرگاه طفل هم پدر و هم جد پدری داشته باشد و

عضو هیئت مدیره مرکز وکلای استان تهران در خصوص راهکار عدم پرداخت نفقه توسط همسر توضیحاتی را شرح داد.
دکتر رفیعی عضو هیئت مدیره مرکز وکلای استان تهران در خصوص عدم پرداخت نفقه توسط همسر گفت: قانونگذار در اینجا شرط کرده که نفقه در مقابل تمکین است، و اگر اگر مردی به همسر خود نفقه پرداخت نکند، زن می‌تواند به دفاتر مرجع قضائی مراجعه کرده و با اثبات اینکه همسر خود از دادن نفقه پرهیز می‌کند، دادخواست مطالبه نفقه ارائه دهد.

ادامه در صفحه بعد

سه‌شنبه ۲۷ شهریور ماه ۱۴۰۳ سال دوم شماره ۷۴



قوانین بانکی

جرائم بانکی:

شناسایی، پیشگیری و مقابله با تهدیدات اقتصادی و مالی در نظام بانکی

جرائم بانکی در سه مرحله تجهیز منابع، تخصیص منابع و ارائه خدمات بانکی واقع می‌شود.
جرائم بانکی یکی از مهم‌ترین جرائم اقتصادی محسوب می‌شود. این جرائم به طور عمده و مشخص با تبادلات پولی و مالی همراه است.
هرچند اصطلاحی تحت عنوان «جرم بانکی» در متون قانونی به کار نرفته است، اما در مطالعات جرم‌شناختی به جرائمی مانند: پولشویی، اختلاس، تقلب، کلاهبرداری و سایر سواستفاده‌های مالی و اقتصادی در این حوزه، «جرائم بانکی» گفته می‌شود.
از آنجا که بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری در حوزه اقتصادی، بیشترین ارتباط را با اقشار مختلف مردم دارند، در حوزه قضایی نیز شناخت جرائم بانکی، سیاست‌گذاری در این حوزه و پیشگیری و مقابله با این جرائم، به علت وابستگی مردم به بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری از اهمیت خاصی برخوردار است.

جرائم بانکی شامل چه جرایمی می‌شود؟

این موضوع که جرائم بانکی شامل چه جرایمی می‌شود محل اختلاف صاحب‌نظران و حقوق‌دانان است. برخی اعتقاد دارند هر جرمی که در فرآیندهای بانک اتفاق می‌افتد از جرائم بانکی محسوب می‌شود، اما تلقی صحیح از جرائم بانکی آن است که جرائم بانکی ناظر بر «عملیات بانکی» است.

عملیات بانکی چیست؟

عملیات بانکی در قانون جدید بانک مرکزی تعریف شده است. بند (چ) ماده یک قانون بانک مرکزی مصوب ۱۴۰۲، عملیات بانکی را تعریف کرده است به «دریافت سپرده از اشخاص حقیقی یا حقوقی و اعطای تسهیلات یا ایجاد اعتبار».

به زبان ساده‌تر عملیات بانکی، نوعی واسطه‌گری میان عرضه‌کنندگان و متقاضیان وجوه و اعتبار و ارائه خدماتی همچون گشایش اعتبار اسنادی و صدور ضمانت‌های بانکی است. یعنی بانک‌ها، میان کسانی که وجوه و اعتبار مالی در اختیار دارند و کسانی که متقاضی خدمات هستند، نقش واسطه‌گری دارند. به همین جهت جرائم بانکی ناظر بر عملیات بانکی است.

انواع عملیات بانکی

عملیات بانکی به سه دسته تقسیم می‌شود:

- ۱- تجهیز منابع بانکی
- ۲- تخصیص منابع بانکی
- ۳- ارائه خدمات بانکی

لذا در نگاه به عملیات بانکی از بُعد کیفی، باید مشخص شود رفتارهای مجرمانه در کدام دسته از مراحل فوق قرار می‌گیرد.

جرائم بانکی در مرحله تجهیز منابع بانکی

در مرحله تجهیز منابع بانکی، جمع‌آوری سپرده‌های نقدی اشخاص حقیقی و حقوقی انجام می‌شود. تجهیز منابع با روش‌های مختلف مانند سپرده‌گذاری ناشی از سرمایه‌گذاری در قالب مواردی مانند: سپرده‌گذاری کوتاه‌مدت و بلندمدت،

مضاربه، مسابقات، اجاره به شرط تملیک، سلف و ... انجام می‌شود.
بعضی از جرائم بانکی در حوزه تجهیز منابع واقع می‌شود. برخی جرائم در حوزه تجهیز مربوط به کارکنان بانک‌ها و موسسات اقتصادی است جرایمی مانند: اختلال در نظام اقتصادی که از طریق بند (ه) ماده یک قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور اقدام به اخذ وجوه کلان در قالب سپرده‌های اشخاص می‌کنند.
برخی دیگر از جرائم در مرحله تجهیز در موسسات و بانک‌ها عبارت است از: اختلاس، اهمال و تفریط در انجام وظیفه منجر به تضییع اموال دولت، خیانت در امانت از ناحیه کارکنان موسسات مالی و اعتباری، تحصیل مال از طریق نامشروع، کلاهبرداری، پولشویی و ربا.
جرائم مشتریان در مرحله تجهیز منابع بانکی بیشتر معطوف به اخذ ربا و پولشویی است.

جرائم بانکی در مرحله تخصیص منابع بانکی

مرحله تخصیص منابع بانکی، شامل کلیه شیوه‌ها و روش‌هایی است که برای پرداخت تسهیلات و اعتبارات در نظر گرفته شده است. این روش‌ها در قالب مضاربه، مشارکت، جعاله، قرض‌الحسنه، خرید دین و ... انجام می‌شود.
جرائم در حوزه تخصیص منابع بانکی از ناحیه کارکنان عبارت است از خیانت در امانت، اختلاس، ربا، پولشویی، اهمال و تفریط منجر به تضییع اموال دولتی.
اشخاص حقوقی و موسسات و بانک‌ها در این مرحله ممکن است مرتکب جرایمی مانند پولشویی، پرداخت ربا، خیانت در امانت در مرحله تخصیص منابع شوند.
همچنین در مرحله تخصیص منابع بانکی، جرایمی در حوزه مشتریان بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری عبارت است از: خیانت در امانت، تحصیل مال از طریق نامشروع، ربا، کلاهبرداری، پولشویی.

جرائم بانکی در مرحله ارائه خدمات بانکی

در مرحله ارائه خدمات بانکی، حدود ۲۰ نوع خدمات بانکی ارائه می‌شود که متعاقب تجهیز منابع بانکی است. خدماتی در رابطه با پرداخت قبوض، تمیر، اعتبارات اسنادی، کارت‌های عابر بانک، خدمات مربوط به وجوه اداره شده، یا نگهداری از اموال و دارایی‌های اشخاص، اوراق بهادار، پوشش‌های بیمه‌ای، و یا خدمات مختلف در حوزه انتشار اوراق مشارکت و ... در این مرحله قرار می‌گیرد. بنابراین ارائه خدمات هم جزئی از عملیات بانکی است.
جرائم کارکنان بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری در حوزه خدمات بانکی در قالب جرائم حوزه اعتبارات اسنادی و جرایمی مانند: خیانت در امانت، کلاهبرداری، تحصیل مال از طریق نامشروع و ... تحقق پیدا می‌کند.
برخی از جرائم حوزه ضمانت‌های بانکی از جانب کارکنان موسسات و بانک‌ها، جرایمی مانند: خیانت در امانت، اختلاس، تضییع اموال دولتی است.
موسسات و بانک‌ها در مرحله ارائه خدمات ممکن است مرتکب جرایمی مانند: خیانت در امانت و تحصیل مال از طریق نامشروع شوند.
اشخاص حقوقی در این مرحله در رابطه با ضمانت‌نامه‌های

بانکی ممکن است جرایمی تحت عنوان خیانت در امانت و کلاهبرداری انجام دهند.
مشتریان در مرحله ارائه خدمات بانکی، ممکن است در قالب ضمانت‌نامه‌های بانکی مرتکب خیانت در امانت، کلاهبرداری، تحصیل مال از طریق نامشروع شوند.
همچنین جرائم مشتریان در حوزه ارائه خدمات بانکی عبارت است از: کلاهبرداری، عدم پرداخت تسهیلات بانکی و تحصیل مال از طریق نامشروع (یعنی مشتری با توسل به وسایل متقلبانه از بانک کلاهبرداری می‌کنند)
جرائم مذکور از جرائم عمومی است که در قالب جرائم اقتصادی واقع می‌شود.

ضرورت پیشگیری از جرائم بانکی

از جمله آثار مهم اجتماعی و اقتصادی این جرائم، انتقال قدرت اقتصادی از بازار، دولت و شهروندان به مجرمان و سازمان‌های مجرمانه است تا جایی که در صورت گسترش این جرائم در جامعه و عدم مبارزه جدی با آن‌ها و افزایش قدرت بزهکاران حوزه بانکی، به نوعی دولت تحت کنترل آن‌ها قرار می‌گیرد؛ بنابراین آسیب‌پذیری اقتصاد و سیستم بانکی کشورها بر اثر جرائم بانکی، یکی از مباحث مطرح در دنیای کنونی است. یکی از چالش‌های فراروی پیشگیری و مقابله با جرائم بانکی در ایران، ناشناخته ماندن پیامدها و آثار زیان‌بار این جرائم است.

پیشگیری از جرائم بانکی، به جهت وقوع مهمترین جرائم اقتصادی در حوزه بانکی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. از این رو، تدوین سیاست جنایی پیشگیرانه کارآمد ناظر بر فعالیت‌های پولی و بانکی در راستای سلامت نظام پولی و بانکی ضروری به نظر می‌رسد.
ابزارهای حقوقی پیشگیرانه در زمینه فعالیت‌های پولی و مالی، همان مقررات اقتصادی هستند که با وضع آن‌ها از بروز جرائم و تخلفات پولی و مالی پیشگیری می‌شود و راه‌های سوءاستفاده از شبکه بانکی به حداقل ممکن کاهش می‌یابد.

جرم‌انگاری پولشویی، اختلال در نظام پولی و بانکی و برخی از سوءاستفاده‌های مالی و اجرای بانکداری الکترونیک، از جمله راهبردهایی هستند که در کنار تدابیر پیشگیرانه و حمایتی عام مقرر در مقررات داخلی مد نظر بوده است.

قوانین و مقررات متعدد و فراوانی در زمینه جرائم پولی و بانکی در کشور وجود دارد. قانون بانک مرکزی، قانون پولی و بانکی کشور و قانون مبارزه با پول‌شویی از جمله مهم‌ترین این قوانین است.

قوانین دیگری مانند قانون تجارت، قانون عملیات بانکی بدون ربا، قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، قانون نحوه وصول مطالبات بانک‌ها، قانون تسری امتیازات خاص بانک‌ها به موسسه‌های غیرمجاز، قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری، قانون تسهیل اعطاء تسهیلات بانکی، قانون مجازات اخلاگران نظام اقتصادی، قانون رفع موانع تولید، قانون تنظیم بازار غیرمتشکل پولی، قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و قانون اجازه تاسیس بانک‌های غیردولتی نیز از جمله قوانین پرکاربرد در این حوزه هستند.



وی افزود: البته اثبات این مورد کار آسانی نیست چرا که اشخاص دیگر از مباحث داخل منزل خبر ندارند که آیا مرد نفقه پرداخت می‌کند یا خیر. در تعریف نفقه نیز بحث تهیه مسکن، دارو و سایر موارد است که زنی که در آن خانه زندگی می‌کند از آن امکانت و نفقه بهره می‌برد. رفیعی در ادامه گفت: البته رأی دادگاه نیز می‌تواند در پرونده‌های بعدی زن و شوهر قابل استناد باشد. / مهر

سه‌شنبه ۲۷ شهریور ماه ۱۴۰۳ • سال دوم • شماره ۷۴

دانستنی‌های حقوقی

حقوق قانونی کارگران طبق قانون کار؛ از ساعات تا مزایای پایان کار

قرارداد کار (ماده ۱۰ قانون کار)
- حق بیمه (ماده ۱۴۸ قانون کار: کارفرمایان کارگاه‌های مشمول این قانون مکلف هستند بر اساس قانون تامین اجتماعی، نسبت به بیمه نمودن کارگران واحد خود اقدام نمایند).
- حق مرخصی و دریافت مبلغ مانده مرخصی در پایان هر سال یا در زمان اتمام همکاری
- مزایای قانونی پایان کار، مانند حق سنوات (حق سنوات معادل یک ماه آخرین حقوق کارگر به نسبت هر سال سابقه کار است- ماده ۲۷ قانون کار)
- حق اولاد، حق مسکن، بن کارگری (ماده ۳۴ قانون کار)
- حق دریافت عیدی (قانون تعیین عیدی و پاداش سالانه کارگران شاغل در کارگاه‌های مشمول مصوب ۱۳۷۰)
- حق اعتراض و اقامه دعوی نسبت به رای هیئت تشخیص (ماده ۱۵۸ قانون کار)
- دریافت حقوق و مزایای مربوط به تعطیلی کاری، اضافه کاری، نوبت کاری، شب کاری و حق ماموریت در صورت تحقق هر یک از این موارد (ماده ۴۶، ۵۸، ۶۰ و ۶۲ قانون کار)

رعایت شرایط قانونی
رعایت ساعات کار مشاغل سخت و زیان‌آور؛ عدم تجاوز از ۶ ساعت در یک شبانه‌روز و عدم تجاوز از ۳۶ ساعت در هفته (ماده ۵۲ قانون کار)
تکلیف به ارجاع ندادن کار اضافی به کارگر مگر با رعایت شرایط قانونی (مواد ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۸۳ قانون کار)
الزام به رعایت ممنوعیت انجام کارهای خطرناک، سخت و زیان‌آور و حمل بار بیشتر از حد مجاز با دست و بدون استفاده از وسایل مکانیکی برای کارگران زن (ماده ۷۵ قانون کار)
تکلیف به رعایت امکان استفاده از مرخصی بارداری و زایمان زنان کارگر و رعایت فرصت شیردهی آن‌ها به کودکان (مواد ۷۶ و ۷۷ قانون کار)
ممنوعیت به کارگیری افراد کمتر از ۱۵ سال (ماده ۷۹ قانون کار)
الزام کارفرمایان به تأمین ایمنی کارگاه، ماشین آلات و وسایل حفظ سلامت کارگران (ماده ۸۷ و ماده ۹۰ قانون کار)
- دریافت مزد و حقوق با رعایت شرایط قانونی (ماده ۳۷ قانون کار)
- حق برخورداری از وسایل تامین حفاظت و سلامت و بهداشت کارگران در کارگاه (ماده ۹۱ قانون کار) و داشتن یک نسخه از

حق و حقوق کارگران در قانون کار مصوب ۱۳۶۹ (با اصلاحات و الحاقات بعدی) مشخص شده است.
طبق قانون کار مصوب ۱۳۶۹، «کارگر» به کسی گفته می‌شود که به درخواست کارفرما، در مقابل دریافت «حق‌السعی» اعم از مزد، حقوق، سهم سود و سایر مزایا کار می‌کند.
«حق‌السعی» به معنای کلیه دریافت‌های قانونی است که کارگر به اعتبار قرارداد کار اعم از مزد یا حقوق کمک عائله‌مندی، هزینه مسکن، خواربار، ایاب و ذهاب، مزایای غیر نقدی، پاداش افزایش تولید، سود سالانه و نظایر آن‌ها دریافت می‌کند.

حق و حقوق قانونی کارگر چیست؟

قوانین مصوب برای کارگران، حق و حقوق مشخصی تعیین کرده است که شامل موارد ذیل می‌شود:
- از جمله حقوق مهم کارگران در قانون کار، رعایت شرایط کار است. رعایت شرایط کار به معنای رعایت این موارد است:
الزام به رعایت ساعات کار؛ عدم تجاوز از ۸ ساعت در یک شبانه‌روز و عدم تجاوز از ۴۴ ساعت در هفته (ماده ۵۱ قانون کار) مگر با

حقوق ناشی از گواهینامه اختراع

۲- استفاده از وسایل موضوع اختراع در هواپیماها، وسائط نقلیه زمینی یا کشتی‌های سایر کشورها که به طور موقت یا تصادفاً وارد حریم هوایی، مرزهای زمینی یا آب‌های کشور می‌شود.
۳- بهره‌برداری‌هایی که فقط با اهداف آزمایشی درباره اختراع ثبت شده انجام می‌شود.
۴- بهره‌برداری توسط هر شخصی که با حسن نیت قبل از تقاضای ثبت اختراع یا در مواقعی که حق تقدم تقاضا شده است، قبل از تاریخ تقاضای حق تقدم همان اختراع، از اختراع استفاده می‌کرده یا اقدامات جدی و مؤثری جهت آماده شدن برای استفاده از آن در ایران به عمل می‌آورده است.
د- حقوق استفاده کننده قبلی که در جزء (۴) بند (ج) این ماده قید شده است، تنها به همراه شرکت یا کسب و کار یا به همراه بخشی که در آن از اختراع استفاده می‌شده یا مقدمات استفاده از آن فراهم گردیده، قابل انتقال یا واگذاری است.

از فرآورده.

۲- در صورتی که موضوع ثبت اختراع فرآیند باشد:
اول- استفاده از فرآیند.

دوم- انجام هر یک از موارد مندرج در جزء (۱) بند (الف) این ماده در خصوص کالاهایی که مستقیماً از طریق این فرآیند به دست می‌آید.

ب- مالک می‌تواند با رعایت بند (ج) این ماده و ماده (۱۷) علیه هر شخص که بدون اجازه او بهره‌برداری‌های مندرج در بند (الف) را انجام دهد و به حق مخترع تعدی کند و یا عملی انجام دهد که ممکن است منجر به تعدی به حق مخترع شود، به دادگاه شکایت کند.

ج- حقوق ناشی از گواهینامه اختراع شامل موارد زیر نمی‌شود:

۱- بهره‌برداری از کالاهایی که توسط مالک اختراع یا با توافق او در بازار ایران عرضه می‌شود.

حقوق ناشی از گواهینامه اختراع ایجاب می‌نماید تا بهره‌برداری از اختراع ثبت شده در ایران توسط اشخاصی غیر از مالک اختراع، مشروط به موافقت مالک آن باشد.

حقوق ناشی از گواهینامه اختراع ایجاب می‌نماید تا بهره‌برداری از اختراع ثبت شده در ایران توسط اشخاصی غیر از مالک اختراع، مشروط به موافقت مالک آن باشد.

مطابق ماده ۱۵ قانون ثبت اختراعات، حقوق ناشی از گواهینامه اختراع به ترتیب زیر است:

الف- بهره‌برداری از اختراع ثبت شده در ایران توسط اشخاصی غیر از مالک اختراع، مشروط به موافقت مالک آن است. بهره‌برداری از اختراع ثبت شده به شرح آتی خواهد بود:

۱- در صورتی که اختراع در خصوص فرآورده باشد:

اول- ساخت، صادرات و واردات، عرضه برای فروش، فروش و استفاده از فرآورده.

دوم- ذخیره به قصد عرضه برای فروش، فروش یا استفاده

ادعای خیار غبن به دلیل افزایش قیمت اموال در اثر تورم

قانونی بوده و دادنامه موصوف با عنایت به محتویات پرونده و با رعایت اصول و مقررات و قواعد دادرسی صادر گردیده و در این مرحله از رسیدگی دلیل جدیدی که مستلزم نقض دادنامه مذکور باشد اقامه نشده و با عنایت به اینکه ملاک و معیار تمیز غبن فاحش ارزیابی دو عوض در زمان تنظیم قرارداد می‌باشد و نظریه کارشناس ابرازی از ناحیه تجدیدنظرخواه که در تاریخ ۹۲/۵/۲۰ ارائه گردیده با توجه به تاریخ قرارداد و افزایش قیمت املاک به لحاظ عدم ثبات اقتصادی موجب برای استفاده از خیار غبن محسوب نمی‌گردد مضافاً بر اینکه کیفیت تنظیم قرارداد حکایت از عالم بودن تجدیدنظرخواه بر قیمت عادلانه روز را دارد بنابراین دادگاه در مجموع تجدیدنظرخواهی را غیرموجه تشخیص و با ردّ اعتراض دادنامه تجدیدنظر خواسته را با استناد به ماده ۳۵۸ از قانون آیین دادرسی در امور مدنی تأیید می‌نماید این رأی قطعی است.

قابل پذیرش نمی‌باشد مستنداً به ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب حکم به بطلان دعوی خواهان صادر و اعلام می‌دارد. رأی صادره حضوری و ظرف مدت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم محترم تجدیدنظر استان تهران می‌باشد.

رأی دادگاه تجدیدنظر استان

تجدیدنظرخواهی آقای م. ر. به وکالت از آقای ح. ک. نسبت به دادنامه شماره ۹۲۰۰۰۴۰۴ مورخ ۹۲/۷/۱۳ صادره از شعبه ۱ دادگاه عمومی بخش لواسانات که به موجب آن حکم به بطلان دعوی خواهان (تجدیدنظرخواه) به خواسته رسیدگی و صدور حکم مبنی بر فسخ معامله مورخ ۹۱/۱۱/۶ به لحاظ خیار غبن به انضمام کلیه خسارات دادرسی صادر گردیده وارد و موجه نیست و رأی صادره صحیح و خالی از ایراد و منقصد

افزایش بعدی قیمت املاک و اجناس به علت تورم نمی‌تواند مستمسک ادعای خیار غبن باشد.

رأی دادگاه بدوی

در خصوص دعوی آقای ح. ک. به طرفیت آقای م. ح. با وکالت آقایان ۱- غ. ی. و ج. ز. به خواسته تقاضای رسیدگی و صدور حکم مبنی بر فسخ معامله مورخ ۹۱/۱۱/۶ به لحاظ خیار غبن به استناد نظریه کارشناسی شماره ۲۲۷ مورخ ۹۲/۵/۲۰ به انضمام کلیه خسارات دادرسی دادگاه با عنایت به محتویات پرونده نظر به اینکه اولاً خیار غبن فوری است که معامله انجام گرفته در تاریخ ۹۱/۱۱/۶ انجام پذیرفته است و ادعای خیار غبن از بابت فسخ معامله با ۸ ماه تأخیر قابل قبول نمی‌باشد ثانیاً افزایش قیمت املاک و اجناس به علت تورم نمی‌تواند مستمسک ادعای خیار غبن باشد با اوصاف فوق ادعای خواهان

وکیل پایه یک دادگستری در خصوص پشت نویسی چک گفت: برای دانستن هدف امضای پشت چک، باید حتما علت آن ذکر شود در غیر این صورت اصل بر ضمانت چک خواهد بود. مجید نظیف، درباره تفاوت امضای پشت چک به قصد ضمانت با امضا به قصد انتقال چک، افزود: زمانی فروشنده مطمئن نیست که صاحب چک می تواند پول را پرداخت کند و برای همین خواستار امضای یک فرد معتبر جهت تضمین

ادامه در صفحه بعد ➡

اثر بذل مهریه توسط زوج به اجبار و اکراه مرد

طرفیت اقای م. م. ک. فرزند ح. نسبت به دادنامه شماره مورخ ۱۴۰۱/۹/۲۷ مندرج در پرونده کلاسه بایگانی که به موجب آن در خصوص دعوی تجدیدنظرخوانده به طرفیت تجدیدنظرخواه به خواسته صدور گواهی عدم امکان سازش به در خواست زوج، دادگاه با عنایت به مجموع اوراق و محتویات پرونده از جمله ملاحظه رونوشت مصدق نکاحنامه رسمی طرفین به شماره مورخ ۱۳۸۲ / ۱۲ / ۲۵ صادره از دفتر رسمی ازدواج شماره یک حوزه ثبتی و نیز اقراریه آنان در محضر دادگاه وجود علقه زوجیت به سبب عقد نکاح دائم را محرز و مسلم دانسته و از طرفی دادگاه و داوران طرفین، در راستای اجرای مقررات قانون حمایت خانواده و ایین نامه اجرایی آن، تلاش خود را در جهت ایجاد صلح و سازش بین زوجین و ترغیب آنان به ادامه زندگی مشترک معمول داشتند که موثر در مقام واقع نگردیده است؛ و زوج همچنان اصرار در طلاق دارد؛ لذا دادگاه با توجه به قاعده فقهی الطلاق بید من اخذ بالساق و به استناد مواد ۱۱۳۳ از قانون مدنی و ۲۶ و ۲۷ از قانون حمایت خانواده مصوب ۱ / ۱۲ / ۱۳۹۱، گواهی عدم امکان سازش بین زوجین مترافعین را صادر و اعلام می نماید. آن ها می توانند به یکی از دفاتر رسمی ثبت طلاق مراجعه و پس از وقوع طلاق نسبت به ثبت رسمی آن اقدام نمایند رعایت وجود شرایط صحت اجرای صیغه طلاق از جمله مراعات مفاد مواد ۱۱۴۰، ۱۱۳۵، ۱۱۳۴ و ۱۱۴۱ از قانون مدنی به عهده مجری صیغه طلاق می باشد. نوع طلاق با توجه به اصرار در طلاق از ناحیه زوج، با عنایت به مفاد مواد ۱۱۴۹، ۱۱۴۸، ۱۱۰۹ و ۱۱۵۱ از قانون مدنی رجعی و عده آن از تاریخ وقوع صیغه طلاق سه طهر می باشد؛ و زوج در ایام عده حق رجوع به همسرش را دارد؛ و مکلف به انفاق در حق وی می باشد؛ و حق اخراج او از مسکن مشترک را ندارد؛ و در راستای اعمال ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده مقرر می دارد. زوج مهریه خود را حسب اقرارنامه رسمی پیوست بذل و ابرای نموده است، جهیزیه قبل از اجرای صیغه طلاق مسترد با توافق طرفین مسترد می گردد؛ و سایر حقوق مالی زوج نیز حسب اقرار نامه رسمی پیوست ابرای شده است، در خصوص شرط تصیف نیز با توجه به اینکه عنوان شده زوج فاقد اموال منقول و غیرمنقول می باشد؛ و مورد تایید زوج قرار گرفته است. دادگاه مواجه با تکلیفی نمی باشد؛ و لذا اعمال آن منتفی است، زوجین دارای دو فرزند مشترک ۱۷ ساله به نام ح؛ و ۱۵ ساله به نام ج. می باشند که هر دو بالغ و بحث تعیین و تکلیف حضانت و ملاقات آن ها منتفی است؛ و دادگاه مواجهه با تکلیفی نمی باشد؛ و مشخصا می توانند انتخاب نمایند با هر یک از والدین خود که تمایل دارند زندگی و ملاقات نمایند و در حال حاضر با پدر خود زندگی می کنند. ثبت این حکم در دفتر خانه رسمی طلاق منوط به تادیه حقوق زوج قبل از ثبت طلاق است؛ و اعتبار اجرایی آن سه ماه از تاریخ ابلاغ دادنامه خوانده به شرح لایحه اعتراضیه تقدیمی، در مهلت قانونی نسبت به رای صادره تجدید نظر خواهی نموده اند، هیات دادگاه با بررسی محتویات پرونده و لوابیح تقدیمی طرفین، رای اصداری دادگاه محترم بدوی را وفق مقررات وموازین قانونی تشخیص داده و با توجه به اینکه تجدیدنظرخواه در این مرحله از رسیدگی ایراد یا دفاع موجهی که موجبات ایجاد خلل و خدشه در ارکان دادنامه معترض عنه را فراهم آورد ابراز ننموده و دادنامه تجدیدنظرخواسته نیز با رعایت اصول و تشریفات دادرسی صادر شده و فاقد ایراد یا اشکال بوده و موضوع نیز مشمول هیچیک از جهات مندرج در ماده ۳۴۸ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی نمی باشد. النهایه دادنامه صدره نیاز به اصلاح بشرح زیر دارد. اولاً- با توجه به اظهارات زوجین در جلسه مورخ ۱۴۰۲/۲/۵ در خصوص نفقه مقرر شد زوج از تاریخ ۱۴۰۱/۷/۱۶ تا پایان

تجدیدنظرخواه در این مرحله از رسیدگی ایراد یا دفاع موجهی که موجبات ایجاد خلل و خدشه در ارکان دادنامه معترض عنه را فراهم آورد ابراز ننموده و دادنامه تجدیدنظرخواسته نیز با رعایت اصول و تشریفات دادرسی صادر شده و فاقد ایراد یا اشکال بوده و موضوع نیز مشمول هیچیک از جهات مندرج در ماده ۳۴۸ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی نمی باشد. النهایه دادنامه صدره نیاز به اصلاح بشرح زیر دارد. اولاً با توجه به اظهارات زوجین در جلسه مورخ ۱۴۰۲/۲/۵ در خصوص نفقه مقرر شد زوج از تاریخ ۱۴۰۱/۷/۱۶ تا پایان دوران عده ماهانه مبلغ پانزده میلیون ریال پرداخت نماید. ثانیاً مقرر شد مبلغ پنجاه میلیون تومان بابت اجرت المثل زوج به زوج در اثر توافق قبل از طلاق بپردازد ثالثاً در خصوص مهریه زوج، صرف نظر از اینکه زوج با این ادعا که همسرش با مرد بیگانه پیامک بازی کرده است. حاضر به پذیرش همسرش نمی باشد. به نحوی که زوج اکنون قریب یک سال و دوماه است؛ که در اورژانس اجتماعی و بهزیستی اراک نگهداری می شود؛ و حتی محلی برای سکونت ندارد؛ و تلاش دادگاه نیز جهت ادامه زندگی مشترک تا روز طلاق و اتمام عده مئتم ثمر واقع نگردیده است. لیکن زوج دو سند محضری ارائه داده است؛ و مدعی است؛ که همسرش مهریه و اجرت المثل و نفقه خود را بذل و به او وکالت داده است. برای طلاق (صفحه ۱۶ و ۲۷ پرونده) اولاً بنابر اظهار زوجین و شهود تعرفه شده هیچ اختلافی نیست که این دو سند توأم با یکدیگر صادر و در آن واحد به امضای زوجین رسیده است؛ و در سند وکالت نامه طلاق صراحتاً ذکر شده است. زوج می تواند به وکالت از زوج با بذل عین مهریه یا معادل یا کمتر از مهریه خود را مطلقه نماید. (صفحه ۲۷ پرونده) و در سند دیگر محضری (صفحه ۱۶ پرونده) زوج حقوق مالی مذکور خود را به زوج بذل نموده است؛ و در واقع دو سند مذکور اگرچه در دو برگ تنظیم شده اند لیکن حکم یک سند واحد را دارند و مرسوم نیز می باشد؛ که بعضی از زوجین به دفاتر اسناد رسمی مراجعه می کنند و زوج به از زوج وکالت برای مطلقه کردن خود با بذل بعضی از حقوق می گیرد و دلیل واضح آن نیز در این پرونده این است؛ که در یک لحظه هر دو سند امضای شده اند و در سند وکالت ذکر شده است. زوج می تواند به وکالت از زوج با بذل حقوق مالی مذکور خود را مطلقه به هر نوع طلاق نماید؛ و اگر اراده طرفین بالاخص زوج، بذل حقوق مالی به صورت مطلق و در واقع بذل مافی الذمه بود هیچ دلیلی نداشت که در سند وکالت ذکر شود. زوج به بذل عین مهریه یا کمتر یا بیشتر به وکالت از زوج خود را مطلقه کند ثانیاً. با توجه به اظهارات زوجین در جلسات دادگاه تجدیدنظر و اظهارات شفاف شهود تعرفه شده از سوی آنان که هنگام تنظیم دو سند محضری مارالذکر حضور داشته اند که ا. از آنان برادر زوج است، هیچ شک و شبهه ای وجود ندارد؛ که اسناد ارائه شده اگر چه رسمی هستند لیکن تحت فشار زوج و اطرافیان زوجین و از روی اکراه و اجبار، زوج آن ها را امضای کرده است. تا حدی که اگر امضای نمی کرد جان وی در معرض خطر بوده است؛ و شهود همگی شهادت بر این مطلب اجمالا داده اند و از ذکر جزئیات صورت جلسه دادگاه تجدیدنظر و اظهارات شهود در این رای خود داری می شود؛ و به هر حال صرف نظر از وجود سند رسمی با توجه به علم حاصل شده برای اعضای این دادگاه بر عدم بذل مطلق مهریه که خواهان طلاق نیز زوج نیست و زوج است؛ لذا مهریه زوج به قوت خود باقی است؛ و باید قبل از طلاق به زوج پرداخت شود. مگر اعسار زوج صادر شود؛ لذا ضمن رد تجدیدنظرخواهی تجدیدنظرخواه، مستندا به ذیل ماده ۳۵۸ قانون مارالذکر دادنامه تجدیدنظرخواسته را با اصلاح بعمل آمده تایید می نماید. رای صادره تا سه ماه اعتبار اجرایی دارد. وظرف بیست روز قابل فرجام خواهی در دیوان عالی کشور می باشد. دفتر محترم نتیجه ثبت و دادنامه ابلاغ گردد.

رای دادگاه

راجع به دادخواست تجدیدنظرخواهی خانم س. ت. فرزند غ. به

حتی با وجود سند رسمی مبنی بر بذل مهریه اگر دادگاه علم حاصل نماید که زوج این اسناد را تحت فشار زوج و اطرافیان زوجین و از روی اکراه و اجبار امضا نموده است مهریه زوج به قوت خود باقی و قابل مطالبه است.

خبرگزاری میزان- حتی با وجود سند رسمی مبنی بر بذل مهریه اگر دادگاه علم حاصل نماید که زوج این اسناد را تحت فشار زوج و اطرافیان زوجین و از روی اکراه و اجبار امضا نموده است مهریه زوج به قوت خود باقی و قابل مطالبه است.

رای دادگاه تجدیدنظر استان

راجع به دادخواست تجدیدنظرخواهی خانم س. ت. فرزند غ. به طرفیت اقای م. م. ک. فرزند ح. با وکالت اقای ا. ا. ج. نسبت به دادنامه شماره مورخ ۱۴۰۱/۹/۲۷ مندرج در پرونده کلاسه بایگانی که به موجب آن در خصوص دعوی تجدیدنظرخوانده به طرفیت تجدیدنظرخواه به خواسته صدور گواهی عدم امکان سازش به درخواست زوج، دادگاه با عنایت به مجموع اوراق و محتویات پرونده از جمله ملاحظه رونوشت مصدق نکاحنامه رسمی طرفین به شماره مورخ ۱۳۸۲ / ۱۲ / ۲۵ صادره از دفتر رسمی ازدواج شماره یک حوزه ثبتی و نیز اقراریه آنان در محضر دادگاه وجود علقه زوجیت به سبب عقد نکاح دائم را محرز و مسلم دانسته و از طرفی دادگاه و داوران طرفین، در راستای اجرای مقررات قانون حمایت خانواده و ایین نامه اجرایی آن، تلاش خود را در جهت ایجاد صلح و سازش بین زوجین و ترغیب آنان به ادامه زندگی مشترک معمول داشتند که موثر در مقام واقع نگردیده است؛ و زوج همچنان اصرار در طلاق دارد؛ لذا دادگاه با توجه به قاعده فقهی الطلاق بید من اخذ بالساق و به استناد مواد ۱۱۳۳ از قانون مدنی و ۲۶ و ۲۷ از قانون حمایت خانواده مصوب ۱ / ۱۲ / ۱۳۹۱، گواهی عدم امکان سازش بین زوجین مترافعین را صادر و اعلام می نماید. آن ها می توانند به یکی از دفاتر رسمی ثبت طلاق مراجعه و پس از وقوع طلاق نسبت به ثبت رسمی آن اقدام نمایند رعایت وجود شرایط صحت اجرای صیغه طلاق از جمله مراعات مفاد مواد ۱۱۴۰، ۱۱۳۵، ۱۱۳۴ و ۱۱۴۱ از قانون مدنی به عهده مجری صیغه طلاق می باشد. نوع طلاق با توجه به اصرار در طلاق از ناحیه زوج، با عنایت به مفاد مواد ۱۱۴۹، ۱۱۴۸، ۱۱۰۹ و ۱۱۵۱ از قانون مدنی رجعی و عده آن از تاریخ وقوع صیغه طلاق سه طهر می باشد؛ و زوج در ایام عده حق رجوع به همسرش را دارد؛ و مکلف به انفاق در حق وی می باشد؛ و حق اخراج او از مسکن مشترک را ندارد؛ و در راستای اعمال ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده مقرر می دارد. زوج مهریه خود را حسب اقرارنامه رسمی پیوست بذل و ابرای نموده است، جهیزیه قبل از اجرای صیغه طلاق مسترد با توافق طرفین مسترد می گردد؛ و سایر حقوق مالی زوج نیز حسب اقرار نامه رسمی پیوست ابرای شده است، در خصوص شرط تصیف نیز با توجه به اینکه عنوان شده زوج فاقد اموال منقول و غیرمنقول می باشد؛ و مورد تایید زوج قرار گرفته است. دادگاه مواجه با تکلیفی نمی باشد؛ و لذا اعمال آن منتفی است، زوجین دارای دو فرزند مشترک ۱۷ ساله به نام ح؛ و ۱۵ ساله به نام ج. می باشند که هر دو بالغ و بحث تعیین تکلیف حضانت و ملاقات آن ها منتفی است؛ و دادگاه مواجهه با تکلیفی نمی باشد؛ و مشخصا می توانند انتخاب نمایند با هر یک از والدین خود که تمایل دارند زندگی و ملاقات نمایند و در حال حاضر با پدر خود زندگی می کنند، ثبت این حکم در دفتر خانه رسمی طلاق منوط به تادیه حقوق زوج قبل از ثبت طلاق است؛ و اعتبار اجرایی آن سه ماه از تاریخ ابلاغ دادنامه قطعی برای مراجعه به دفتر طلاق، جهت اجرای صیغه طلاق می باشد. نموده و با ابلاغ دادنامه خوانده به شرح لایحه اعتراضیه تقدیمی، در مهلت قانونی نسبت به رای صادره تجدید نظر خواهی نموده اند، هیات دادگاه با بررسی محتویات پرونده و لوابیح تقدیمی طرفین، رای اصداری دادگاه محترم بدوی را وفق مقررات وموازین قانونی تشخیص داده و با توجه به اینکه

ادامه در صفحه بعد ➡

انواع قرارهای التزام به حضور در قانون آیین دادرسی کیفری

قرارهای التزام به حضور از انواع قرارهای تامین کیفری است که بازپرس پرونده در شرایط لزوم برای دسترسی به متهم و حضور به موقع وی در مرجع قضایی، صادر می‌کند. قرار عبارت است از رای و تصمیم دادگاه در امر ترافیعی که کلاً یا بعضاً قاطع دعوی و خصومت نباشد. لزوم اجرای مجازات یا اقدامات تامینی، متنبت کردن متهم و دیگران، حفظ نظم عمومی و رعایت حقوق بزه‌دیدگان در برخی موارد قانون‌گذار را مجبور کند تا به مقام قضایی اجازه دهد، قبل از صدور حکم محکومیت در مورد موضوع اتهام بعضی از آزادی‌های متهم را سلب کند. با توجه به اینکه قرارهای تامین کیفری، به‌نحوی آزادی متهم را سلب می‌کنند و بر خلاف اصل براءت هستند، پس باید از سویی تعداد آن‌ها مشخص باشد و از سوی دیگر، تامین اخذ شده با جرم ارتكابی متهم متناسب باشد. در همین راستا قرارهای التزام به حضور از انواع قرارهای تامین کیفری معین در قانون محسوب می‌شود.

انواع قرار التزام به حضور در قانون آیین دادرسی کیفری

طبق ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری، بازپرس پرونده پس از تفهیم اتهام و تحقیقات لازم و در صورت وجود دلایل کافی، به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، همچنین برای جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و تضمین حقوق بزه‌دیده و جبران ضرر و زیان آن، یکی از ۱۰ قرار تامینی که در این ماده تعیین شده است را صادر می‌کند.

هفت قرار از این ده قرار تامینی از نوع قرار التزام است که عبارتند از:

- ۱- التزام به حضور با قول شرف
 - ۲- التزام به حضور با تعیین وجه التزام
 - ۳- التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با قول شرف
 - ۴- التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با تعیین وجه التزام
 - ۵- التزام به معرفی نوبه‌ای خود به صورت هفتگی یا ماهانه به مرجع قضایی یا انتظامی با تعیین وجه التزام
 - ۶- التزام مستخدمان رسمی کشوری یا نیروهای مسلح به حضور با تعیین وجه التزام، با موافقت متهم و پس از اخذ تعهد پرداخت از محل حقوق آن‌ها از سوی سازمان مربوط
 - ۷- التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده با موافقت متهم با تعیین وجه التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات
- بنابراین در یک تقسیم‌بندی کلی قرارهای مذکور را می‌توان به دو دسته «قرار التزام به حضور با قول شرف» و «قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام» تقسیم کرد.

قرار التزام به حضور با قول شرف

التزام در لغت به معنای عهده‌دار شدن کاری و ملزم شدن به امری است. قرار التزام به حضور با قول شرف، خفیف‌ترین نوع قرار تامین کیفری است. این قرار صرفاً جنبه اخلاقی دارد و قاعدتاً در جرائم کم اهمیت صادر می‌شود. این قرار باید در مورد متهمینی صادر شود که خصوصیات اخلاقی و موقعیت اجتماعی آن‌ها نشان می‌دهد که به قول خود

پایبندند.

با صدور این قرار مرجع تحقیق از متهم می‌خواهد که با قول شرف، متعهد شود هرگاه به او نیاز بود در مراجع قضایی حاضر شود.

با قبول این التزام، متهم آبرو، شرف و حیثیت خود را در گروی مقام قضایی می‌گذارد تا هروقت احضار شد در زمان و مکان مقرر حضور پیدا کند.

در صورت عدم قبول التزام به حضور با قول شرف از سوی متهم، طبق تبصره یک ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری، بازپرس قرار دوم یعنی قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام را صادر می‌کند.

«قرار عدم خروج از حوزه قضایی با قول شرف» نیز نوع دیگری از التزام با قول شرف است و طی آن متهم با قول شرف تضمین می‌دهد که از حوزه قضایی مشخص شده توسط مرجع قضایی خارج نشود. ضمانت اجرای این قرار، نیز قولی است که متهم به بازپرس می‌دهد. قول شرف متهم، وسیله‌ای برای حفظ دسترسی به اوست تا از طریق ممنوعیت خروج او از حوزه قضایی حضور به موقع وی نزد مرجع قضایی ممکن باشد. در صورت امتناع متهم از قبول چنین التزامی قراره کفالت برای متهم صادر می‌شود.

– قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام

التزام به معنای ملزم شدن به انجام کاری است. وجه التزام، به معنای مبلغی است که پیش از آنکه تخلف رخ دهد تعیین می‌شود تا در صورت وقوع تخلف، متخلف موظف به پرداخت آن وجه در راستای تنبیه یا جبران خسارت باشد.

مرجع تحقیق به موجب صدور «قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام» از متهم می‌خواهد، متعهد شود هرگاه حضور او برای رسیدگی به اتهام لازم بود در زمان و مکانی که تعیین خواهد شد حضور پیدا کند. بازپرس برای تضمین اجرای این تعهد، ضمانت اجرای مالی یعنی پرداخت مبلغ معینی وجه نقد را تعیین می‌کند متهم نیز با قبول این قرار متعهد می‌شود که به موقع در مرجع قضایی حاضر شود و در صورت عدم حضور مبلغ تعیین شده در قرار را بپردازد.

بنابراین به وسیله این قرار، شخص ملزم می‌شود که در زمان احضار نزد مرجع قضایی حاضر شود و در صورت عدم حضور، مبلغ وجه التزام اخذ و ضبط می‌شود. مبلغ وجه التزام در ابتدا از متهم گرفته نمی‌شود و صرفاً شخص متعهد می‌شود که هر زمان حضور او نیاز بود، حاضر شود و در صورت عدم حضور، مبلغ از اموال او اخذ می‌شود.

قرار التزام به حضور در دو مرحله صادر می‌شود. مرحله اول، صدور قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام است که به متهم ابلاغ می‌شود تا حضور خود را در مقابل وجهی به عنوان وجه التزام، تضمین کند. مرحله دوم، صدور قرار قبولی التزام است که پس از آنکه متهم با ارائه این تضمین و قرار التزام موافقت کند، صادر می‌شود.

اگر متهم حاضر به دادن چنین تعهدی برای ملتزم شدن به حضور نباشد قرار کفالت برای او صادر می‌شود.

بر اساس ماده ۲۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری، مبلغ وجه التزام، در هر حال، نباید از خسارت وارد به بزه‌دیده کمتر



باشد. در مواردی که دیه یا خسارت زیان‌دیده از طریق بیمه قابل جبران است، بازپرس با لحاظ مبلغ قابل پرداخت از سوی بیمه قرار تامین متناسب صادر می‌کند.

«قرار عدم خروج از حوزه قضایی با تعیین وجه التزام» نیز همچون قرار قبلی است با این تفاوت که در این قرار، نقض قرار و خروج از حوزه قضایی نیز ضمانت اجرای مالی دارد. این ضمانت اجرا وجه التزام یعنی مبلغی است که در زمان صدور قرار توسط بازپرس تعیین می‌شود و متهم، در صورت خروج از حوزه قضایی باید آن را بپردازد و نتیجه عدم پذیرش این قرار توسط متهم نیز صدور قرار کفالت از سوی بازپرس است.

در «قرار التزام به معرفی نوبه‌ای خود به صورت هفتگی یا ماهانه به مرجع قضایی یا انتظامی با تعیین وجه التزام» نیز متهم ضمن تعهد به حضور نزد مرجع رسیدگی‌کننده ملتزم به معرفی خود به صورت هفتگی یا ماهانه می‌شود.

هدف از صدور قرار فوق، این است که متهم علاوه بر تعهدی که به حضور نزد بازپرس برای رسیدگی به پرونده‌اش دارد، احساس کند که مراجعه مستمر او به مرجع قضایی و انتظامی غیبت احتمالی او را مشخص می‌کند. در صورت امتناع متهم از پذیرش این قرار نیز قرار کفالت برای متهم صادر می‌شود.

«قرار التزام مستخدمان رسمی کشوری یا نیروهای مسلح به حضور با تعیین وجه التزام با موافقت متهم و پس از اخذ تعهد پرداخت از محل حقوق آنان از سوی سازمان مربوط» قرار تامین دیگری است که در ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری تعیین شده است. این قرار در واقع همان قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام است که برخلاف قرار معمولی التزام، متضمن احراز قبلی امکان پرداخت وجه التزام است.

احراز این موضوع با اعلام سازمان محل استخدام متهم مبنی بر پرداخت وجه التزام صورت می‌گیرد، ولی به هیچ وجه این قرار، اداره را کفیل متهم نمی‌کند و تعهدی برای سازمان مبنی بر حاضر کردن متهم ایجاد نمی‌کند.

– قرار التزام به عدم خروج از منزل

«قرار التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده با موافقت متهم با تعیین وجه التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت» قرار التزام دیگری است که به عنوان یکی از انواع قرارهای تامین کیفری مشخص شده است. در این قرار، التزام به حضور نزد مرجع قضایی جزئی از تعهد متهم است و عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده به تنهایی بر رعایت قرار کفایت نمی‌کند.

ضمانت اجرای قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام

بر اساس ماده ۲۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری، متهمی که برای او قرار تامین صادر و خود ملتزم شده یا وثیقه گذاشته است، در صورتی که حضورش لازم باشد، احضار می‌شود و هرگاه ثابت شود بدون عذر موجه حاضر نشده است، در صورت ابلاغ واقعی اختاریه، وجه التزام تعیین شده به دستور دادستان اخذ و یا از وثیقه سپرده شده معادل وجه قرار ضبط می‌شود.

زوجه اعطای شده است، بعبارتی در وکالت در طلاق عبارت "مطلقه نمودن ... به هر قسم طلاق ... و به هر طریق اعم از بذل نفقه و بذل مهریه. "ثبت شده و این بدان معنی است؛ که بذل موارد مذکور در مقابل طلاق می‌باشد. در صورتی که زوجه با وکالت مندرج اقدام به طلاق نماید. حال آنکه در مانحن فیه زوج اقدام به طلاق نموده و زوجه اقدامی ننموده است؛ بنابراین کلیه حقوق زوجه کماکان به قوت خود باقی است؛ و زوج باید

قبل از طلاق نسبت به پرداخت این حقوق من جمله مهریه اقدام نماید؛ لذا ضمن رد تجدیدنظرخواهی تجدیدنظرخواه، مستنداً به ذیل ماده ۳۵۸ قانون مارالذکر دادنامه تجدیدنظرخواسته را با اصلاح بعمل آمده تایید می‌نماید. رای صادره تا سه ماه اعتبار اجرایی دارد. وظرف بیست روز قابل فرجامخواهی در دیوان عالی کشور می‌باشد. دفتر محترم نتیجه ثبت و دادنامه ابلاغ گردد.

درخواست اعاده دادرسی آقای م. غ. ت. نسبت به دادنامه فوق‌الذکر با تکرار دفاعیات مطروحه در جریان رسیدگی به شرح خلاصه جریان پرونده و تمسک به تهیه استشهاده به دفتر اسناد رسمی که فاقد ارزش قضائی در امر کیفری است، ۴۷۴ از جهات اعاده دادرسی مقرر در شقوق ماده ۴۷۴ قانون آئین دادرسی کیفری مطابقت ندارد لذا قرار رد اعاده دادرسی صادر می‌گردد.